چشم در چشم مرگبار

دو پسر نوجوان وقتی در یکی از خیابان‌های شمال تهران با هم چشم در چشم شدند درگیری مرگباری را رقم زدند.

به گزارش جوان، ساعت ۲۲ شامگاه یک‌شنبه ششم تیرماه مأموران پلیس تهران از درگیری خونینی در یکی از خیابان‌های اطراف میدان تجریش با خبر و راهی محل شدند. مأموران کلانتری تجریش وقتی در خیابان وطن‌پور حاضر شدند، دریافتند لحظاتی قبل دو پسر نوجوان با هم درگیر شده‌اند که یکی از آنها از ناحیه گردن دچار آسیب شده و برای درمان به بیمارستان منتقل شده‌است.

بدین ترتیب مأموران پلیس برای ادامه تحقیقات به بیمارستان رفتند که تیم پزشکی اعلام کرد پسر نوجوان که حمید نام دارد بر اثر شکستگی گردن روی تخت بیمارستان به کام مرگ رفته است. با اعلام خبر مرگ حمید پرونده وارد مرحله تازه‌ای شد و تیمی از کارآگاهان اداره‌دهم پلیس آگاهی برای بررسی موضوع وارد عمل شدند.

بررسی‌های تیم جنایی نشان داد مقتول لحظه درگیری همراه دختر ۱۶ساله‌ای در خیابان در حال عبور بوده که با پسر ۱۷ساله دیگری به نام کامران چشم در چشم می‌شود و درگیری مرگبار رقم می‌خورد. کامران پس از حادثه همراه دوستش از محل فرار می‌کند و پسر زخمی که از ناحیه گردن آسیب می‌بیند برای درمان به بیمارستان منتقل می‌شود، اما در نهایت بر اثر شدت شکستگی گردن فوت می‌کند. یکی از شاهدان حادثه گفت: مقتول همراه دختر ۱۶ساله‌ای که گفته‌می‌شود دختر مورد علاقه‌اش است در حال عبور از خیابان بود که با پسر ۱۷ساله دیگری که همراه دوستش بود، برخورد کرد. آنها چشم در چشم شدند و لحظاتی بعد هم درگیر شدند. ما سعی کردیم آنها را جدا کنیم، اما کامران در درگیری گردن طرف مقابل را گرفت و چرخاند که احساس کردیم گردن او دچار شکستگی شد. پس از این کامران و دوستش از محل گریختند و ما هم با اورژانس و پلیس تماس گرفتیم.

مأموران پلیس در ادامه تحقیقات دختر ۱۶ساله و دوست قاتل را شناسایی و بازداشت کردند.

دوست قاتل گفت: مقتول خیال کرد که کامران به دختر مورد علاقه او خیره شده و به همین خاطر با هم چشم در چشم شدند. مشاجره لفظی آنها خیلی زمان نبرد که با هم گلاویز شدند که لحظاتی بعد دیدم پسر نوجوان روی زمین افتاد. کامران با دیدن این صحنه خیلی ترسیده‌بود و به سرعت فرار کرد و من هم به خانه‌مان رفتم که مأموران پلیس مرا بازداشت کردند. وی در پایان گفت: من در این حادثه تقصیری نداشتم.

همزمان با انتقال جسد پسر نوجوان به پزشکی قانونی برای انجام آزمایش‌های لازم و مشخص شدن علت اصلی مرگ مأموران پلیس به دستور بازپرس ویژه قتل در تلاشند تا متهم فراری را دستگیر و راز این حادثه را بر ملا کنند.

شنای مرگ ۲ مرد جوان در رودخانه چالاب

دو مرد جوانی که برای شنا وارد رودخانه چالاب در شهرستان مهران استان ایلام شده‌بودند، به خاطر عدم مهارت در شنا جان خود را از دست دادند.

به گزارش جوان، روز گذشته مأموران پلیس شهرستان مهران از حادثه غرق شدگی در رودخانه چالاب باخبر و راهی محل شدند. بعد از حضور مأموران در محل، تحقیقات اولیه نشان داد، دو جوان ۳۵ و ۳۸ساله برای شنا وارد رودخانه چالاب می‌شوند اما به دلیل عدم آشنایی به فنون شنا و نداشتن مهارت کافی غرق شده و جان خود را از دست داده‌اند.

سرهنگ قدرت‌الله شهباز بیگی، فرمانده انتظامی شهرستان مهران گفت: «اجساد این دو جوان برای اقدامات قانونی به پزشکی قانونی منتقل شد.»

بازرس قلابی به دام افتاد

مردی که در پوشش بازرس و مأمور واحد صنفی از مغازه‌داران تهرانی اخاذی می‌کرد دستگیر شد.

به گزارش جوان، اواخر هفته گذشته، صاحب یکی از واحدهای صنفی به اداره پلیس رفت و از مردی به اتهام اخاذی شکایت کرد. او در توضیح به مأموران گفت: «در محل کار مشغول کار بودیم که مردی وارد مغازه شد و خودش را بازرس و مأمور واحد صنفی معرفی کرد. او بعد از بازدید گفت که ما چند تخلف داریم و قصد دارد تخلفات را گزارش کند و در ادامه پیشنهاد داد در صورت دریافت مبلغی از ارائه این گزارش صرف نظر خواهد کرد. پیشنهادش را قبول کردیم و او بعد از گرفتن مبلغی وجه نقد آنجا را ترک کرد. بعد از رفتن او بود که فهمیدیم حرف‌هایش دروغ بوده و مأمور صنفی نبوده است.»

با طرح این شکایت پرونده در اختیار مأموران نظارت بر اماکن عمومی پلیس امنیت تهران بزرگ قرار گرفت تا اینکه در تحقیقات مأموران محل تردد متهم را شناسایی کردند. با شناسایی متهم سرانجام وی پنجم تیرماه در حالی که قصد اخاذی از یک واحد صنفی حوالی خیابان شریعتی را داشت دستگیر و به پلیس امنیت عمومی منتقل شد.

سرهنگ نادر مرادی، معاون نظارت بر اماکن عمومی پلیس امنیت تهران بزرگ گفت: «متهم بعد از دستگیری تحت بازجویی قرار گرفت و با اقرار به جرمش به اخاذی از سه‌نفر به مبلغ یک‌میلیارد ریال اعتراف کرد. متهم برای سیر مراحل قضایی به دادسرا معرفی شد.»

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی

اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک فریمان

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقدسندرسمی

آگهی موضوع ماده۳قانون وماده۱۳آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقد سندرسمی

برابرای شماره۱۳۹۹۶۰۳۰۶۰۲۲۰۰۱۱۷۴هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقدسندرسمی مستقردرواحدثبتی حوزه ثبت ملک فریمان تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم لیلی مولائی فرزند محمد به شماره شناسنامه۷صادره از فریمان دریک باب ساختمان به مساحت۱۵/۱۸۶مترمربع پلاک ۶۲فرعی از۲۷۶اصلی واقع دربخش۱۳خریداری ازمحل مالکیت مشاعی متقاضی محرز گردیده است.لذابمنظوراطلاع عموم مراتب دردونوبت بفاصله۱۵روزآگهی می شوددرصورتی که اشخاص نسبت به صدورسند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند ازتاریخ انتشاراولین آگهی به مدت دوماه اعتراض خودرابه این اداره تسلیم وپس ازاخذ رسید، ظرف مدت یک ماه ازتاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خودرابه مراجع قضایی تقدیم نمایند.بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور وعدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادرخواهدشد.

تاریخ انتشارنوبت اول:۱۴۰۰/۴/۸

تاریخ انتشارنوبت دوم:۱۴۰۰/۴/۲۲

محمدرضا رجایی مقدم–رئیس اداره ثبت اسناد و املاک

داستان حیرت‌آور فقر و تباهی در «قتل به‌خاطر فلاسک چای»!

متهم در گفت‌وگو با «جوان»: با مقتول همسایه و دوست بودم. فلاسک چایی‌ام را به او قرض دادم. بعد همسایه دیگر ما مدعی شد فلاسک من دزدی است!فلاسک را به زور پس گرفتم و دعوا و قتل انجام شد. مدتی فراری بودم تا اینکه در کمپ معتادها برای اینکه روی خلافکاری را کم کنم، داستان قتل را تعریف کردم و لو رفتم!

مرد معتادی که به خاطر یک فلاسک چایی یکسال قبل مرد جوانی را به قتل رسانده‌بود، وقتی در طرح جمع‌آوری معتادان متجاهر دستگیر شد فکر نمی‌کرد خاطره گویی در جمع معتادان راز قتل او را برملا می‌کند.

به گزارش جوان، اوایل تابستان سال قبل بود که به مأموران پلیس تهران خبر رسید مرد جوانی در خانه‌ای در جنوب تهران به قتل رسیده‌است.

محل حادثه خانه قدیمی بود که تعداد زیادی اتاق دور حیاطش قرار داشت و هر اتاق هم در اجاره فرد یا افرادی بود. مأموران پلیس در یکی از اتاق‌ها با جسد مرد جوانی به نام بهمن روبه‌رو شدند که با ضربات متعدد چاقو به قتل رسیده‌بود. مأموران پلیس در تحقیقات میدانی دریافتند مقتول همراه زن صیغه‌ای خود در یکی از اتاق‌ها زندگی می‌کرده و محل قتل هم که اتاق کوچکی است که در اجاره پسر جوان مجردی به نام رحمت بوده که پس از حادثه از محل گریخته است.

بررسی‌ها نشان داد رحمت پسر شهرستانی است که چند سال قبل برای کار به تهران می‌آید، اما در دام اعتیاد گرفتار می‌شود و این حادثه مرگبار را به خاطر یک فلاسک چایی با همسایه‌اش رقم می‌زند.

بدین ترتیب با اعلام این خبر بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران همراه تیمی از کارآگاهان اداره‌دهم پلیس آگاهی در محل تحقیقات خود را آغاز کردند.

■ فلاسک چای

همسر مقتول درباره حادثه به تیم جنایی گفت: من و همسرم یکی از اتاق‌های این خانه را اجاره کرده‌بودیم و رحمت هم در اتاق روبه‌روی ما زندگی می‌کرد. یک روز قبل ما فلاسک چای او را امانت گرفتیم و قرار بود برای تفریح به پارک برویم و با خودمان چایی ببریم، اما امروز رحمت به خانه ما آمد و فلاسک چایی را با خودش برد. وقتی شوهرم از بیرون آمد به رحمت اعتراض کرد که چرا بدون اجازه وارد خانه ما شده و فلاسک چایی را برداشته است که با هم درگیر شدند و رحمت هم با چاقو شوهرم را به قتل رساند و از محل گریخت.

همزمان با انتقال جسد به پزشکی قانونی مأموران پلیس تحقیقات گسترده‌ای را برای شناسایی و دستگیری قاتل فراری آغاز کردند، اما دریافتند متهم پس از قتل به شهرستان محل زندگی‌اش گریخته است.

بدین ترتیب مأموران برای دستگیری قاتل فراری راهی شهرستان محل زندگی او شدند، اما در بررسی‌ها مشخص شد متهم برای اینکه دستگیر نشود هر چند روز یک بار محل زندگی‌اش را تغییر می‌دهد.

■ یکسال بعد

پس از این مأموران تحقیقات خود را برای دستگیری متهم ادامه دادند، اما هیچ ردی از وی پیدا نکردند تا اینکه پس از گذشت یکسال از حادثه چند روز قبل به مأموران پلیس خبر رسید رحمت ۳۰ساله که به اتهام قتل تحت تعقیب مأموران پلیس بوده در طرح جمع‌آوری معتادان متجاهر بازداشت و برای ترک اعتیاد به مرکز نگهداری معتادان در جنوب تهران منتقل شده‌است. بررسی‌های مأموران پلیس نشان داد متهم که با هویت جعلی زندگی می‌کرده‌است پس از دستگیری هنگام خاطره گوی برای یکی از دوستانش راز قتل را برملا کرده‌است و دوست او هم موضوع را به مأموران پلیس خبر داده است.

■ دستگیری متهم

بنابراین با به‌دست آمدن این اطلاعات مأموران راهی مرکز نگهداری معتادان شدند و رحمت را که با هویت جعلی خود را به مسئولان کمپ معرفی کرده‌بود بازداشت و به اداره پلیس منتقل کردند.

متهم پس از انتقال به دادسرای امور جنایی تهران با اظهار پشیمانی به قتل اعتراف کرد و مدعی شد در این مدت زندگی با ترسی را تجربه کرده‌است به طوری که حتی از سایه‌اش هم می‌ترسیده است.

وی گفت: سه‌سال قبل برای کار به تهران آمدم، اما خیلی زود معتاد شدم. کارگری می‌کردم و هرگز فکر نمی‌کردم که مرتکب قتل شوم، اما ناخواسته به خاطر یک فلاسک چایی قاتل شدم. در ادامه قاتل برای تحقیقات بیشتر به دستور قاضی محمد وهابی، بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران در اختیار تیمی از کارآگاهان اداره‌دهم پلیس آگاهی قرار گرفت.

گفت‌وگو با متهم

در بازجویی‌ها گفته بودی که به خاطر فلاسک چایی مرتکب قتل شدی، درسته؟

بله، من قصد قتل نداشتم، اما متأسفانه درگیری مرگبار ما به خاطر یک فلاسک چایی بود و ای کاش که اصلاً این فلاسک را نداشتم.

چرا؟

مقتول و همسرش در اتاق روبه‌رویی من زندگی می‌کردند و من هم ارتباط خوبی با آنها داشتم و گاهی هم وسایلمان را به هم امانت می‌دادیم. چون همه کسانی که در آن خانه زندگی می‌کردند افراد فقیر و گرفتاری بودند که وسایل زندگی‌شان کامل نبود. یک روز قبل از حادثه مقتول گفت که قرار است همراه همسرش برای تفریح به پارک بروند و فلاسک چایی من را امانت گرفت تا چایی داخل آن بریزند و به پارک ببرند. من فلاسک چایی را لازم نداشتم، اما روز حادثه متوجه شدم که زن همسایه به خانه مقتول رفته و به همسر مقتول گفته بود که فلاسک چایی متعلق به آنها است. او گفته بود که من فلاسک چایی را از خانه آنها دزدیده‌ام در صورتی که من چند ماه قبل فلاسک را از بازار خریده بودم. زن و مرد همسایه هر دو معتاد بودند و می‌دانستم که توهم زده‌اند، اما از طرفی هم احساس می‌کردم که آنها فلاسک چایی مرا از خانه مقتول بردارند و به همین خاطر به خانه بهمن رفتم و فلاسک چایی را برداشتم و به خانه‌ام آوردم. بهمن در خانه نبود که همسرش به من اعتراض کرد و گفت حق ندارم فلاسک چایی را با خودم ببرم. او حرف‌های زن همسایه را باور کرده‌بود و خیال می‌کرد که من فلاسک را دزدیده‌ام.

وقتی بهمن به خانه آمد همسرش موضوع را به او گفته بود که به سراغ من آمد و گفت چرا بدون اجازه فلاسک چایی را برداشته‌ام. به او گفتم که فلاسک متعلق به خودم است و کسی حق ندارد به من دستور بدهد که با هم درگیر شدیم. وقتی درگیری ما بالا گرفت با چاقو چند ضربه به او زدم و از ترس فرار کردم، اما فکر نمی‌کردم که او به قتل برسد.

چند روز بعد متوجه شدی به قتل رسیده‌است؟

دو روز بعد به صورت مخفیانه به کوچه محل زندگی‌ام آمدم که دیدم پارچه سیاه به در خانه زده‌اند و فهمیدم که او به قتل رسیده و از ترس به شهرستان فرار کردم.

در این مدت چطوری زندگی می‌کردی؟

وقتی به شهرستان فرار کردم متوجه شدم که مأموران در تعقیب من هستند و به همین خاطر به تهران آمدم و در ساختمان‌های در حال ساخت کارگری می‌کردم، اما خودم را با هویت جعلی معرفی می‌کردم و حتی چهره‌ام را تغییر می‌دادم، مثلاً موهایم را رنگ می‌کردم که شناسایی نشوم تا اینکه چند روز قبل در پاتوق معتادان در حال مصرف مواد بودم که مأموران پلیس مرا دستگیر کردند و در کمپ راز قتل من برملا شد.

چه شد که رازت برملا شد؟

در کمپ با مردی آشنا شدم که ادعا می‌کرد مثلاً فلان خلاف را انجام داده است و می‌خواست بگوید که خلافکار بزرگی است. او همیشه برای من خاطره می‌گفت تا اینکه یک روز از من خواست خاطره‌ای تعریف کنم. من جو گیر شدم و خاطر قتل را برای او بازگو کردم. پس از این او هر روز از من اخاذی می‌کرد و می‌گفت اگر به او پول ندهم راز مرا بر ملا می‌کند. من مقداری پول داشتم و به او دادم، اما او دوباره هم پول می‌خواست که با هم درگیر شدیم و راز مرا به پلیس گفت.

عذاب وجدان نداشتی؟

عذاب وجدان داشتم به طوری که هر شب کابوس می‌دیدم، اما از ترس پلیس و اینکه قصاص شوم خودم را معرفی نمی‌کردم. من در این مدت حتی از سایه‌ام می‌ترسیدم.

عاملان قتل ۲ کارگر جرم خود را انکار کردند

سه مرد جوان که متهم به قتل آتشین دو کارگر در نزدیکی شهرری هستند، در جلسه محاکمه مدعی شدند قتلی مرتکب نشدند و حاضرند برای اثبات ادعایشان شاهد به دادگاه بیاورند.

به گزارش جوان، سال گذشته، مأموران پلیس تهران از آتش‌سوزی کانکسی در حاشیه شهر ری باخبر و راهی محل شدند. بعد از مهار آتش بود که مأموران در بررسی محل حادثه اجساد سوخته دو مرد را کشف کردند که شواهد نشان می‌داد این دو مرد در محل دیگری کشته شده و اجسادشان به این محل منتقل شده‌است. با انتقال اجساد به پزشکی قانونی تحقیقات در این زمینه آغاز شد تا اینکه کارشناسان پزشکی قانونی در گزارشی اعلام کردند علت اصلی مرگ به خاطر شدت سوختگی غیر قابل تشخیص است.

با اعلام این گزارش، مأموران در گام دیگری از تحقیقات موفق شدند خانواده دو مرد ناشناس را شناسایی و مورد تحقیق قرار دهند، اما اولیای دم دو مقتول نیز گفتند آنها کارگری می‌کردند و با کسی خصومتی نداشتند و به همین خاطر به کسی مشکوک نیستند.

بعد از بدست آمدن این اطلاعات سرانجام مأموران در تحقیقات توانستند سه مرد را به عنوان مظنون بازداشت کنند، اما همگی در بازجویی‌ها منکر قتل شدند.

با انکار متهمان اما بنا به شواهد و قرائن موجود سه متهم راهی زندان شدند و پرونده بعد از کامل شدن تحقیقات به دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد.

متهمان در اولین جلسه رسیدگی به پرونده مقابل هیئت قضایی شعبه دهم قرار گرفتند. ابتدای جلسه اولیای‌دم مقتولان برای متهمان درخواست قصاص کردند و خواستند تا راز قتل و علت آن مشخص شود.

در ادامه متهمان یک به یک در جایگاه ایستادند و با انکار قتل از خودشان دفاع کردند. یکی از آنها گفت: «خانه من در نزدیکی کانکسی بود که آتش گرفته بود. آن شب سر و صدای عجیبی شنیدم به همین خاطر از خانه بیرون رفتم و خودم را به کانکس رساندم. وقتی نزدیک کانکس رسیدم دیدم آتش گرفته و شعله آتش هم زیاد بود، اما با حضور مأموران پلیس و مأموران آتش‌نشانی آتش مهار شد. بعد از خاموش شدن آتش مأموران داخل کانکس رفتند تا اینکه اجساد دو مرد را از آنجا بیرون آوردند. باور کنید من آنها را ندیده بودم و نمی‌شناختم و به همین خاطر هیچ خصومتی با آنها نداشتم که بخواهم مرتکب قتل شوم.»

متهم دیگر نیز گفت: «من دو مقتول را از قبل می‌شناختم، اما حدود دوسالی بود که آنها را ندیده بودم. باور کنید نمی‌دانم چه کسی یا چه کسانی با چه انگیزه‌ای آنها را به قتل رسانده‌اند.»

سومین متهم نیز گفت: «هنگام آتش‌سوزی حوالی محل حادثه حضور داشتم به همین دلیل پلیس مرا بازداشت کرد، اما من هم بی‌گناهم و در این حادثه هیچ نقشی نداشتم و بی‌دلیل دستگیر شدم.»

در آخر متهمان مدعی شدند می‌توانند برای اثبات ادعاهایشان شاهدانی را به دادگاه احضار کنند تا بی‌گناهی‌شان اثبات شود.

با این پیشنهاد، هیئت قضایی جلسه دادگاه را به تاریخ دیگر موکول کرد تا شاهدان سه متهم به دادگاه احضار شوند و بعد از شنیدن توضیحات آنها رأی صادر شود.

۲ کشته در تصادف مرگبار موتورسیکلت‌ها

تصادف دو دستگاه موتورسیکلت در شهرستان جویبار استان مازندران مرگ دو راکب و زخمی شدن یکی از سرنشینان را رقم زد.

به گزارش جوان، یک‌شنبه شب مأموران پلیس شهرستان جویبار از تصادف منجر به فوت در محور جویبار– کیاکلا باخبر و راهی محل شدند. اولین شواهد نشان می‌داد، راکبان دو دستگاه موتورسیکلت پس از برخورد شدید با هم در دم‌جان باخته و سرنشین یکی از موتورسیکلت‌ها مجروح و راهی بیمارستان شده است.

سرهنگ غلامرضا جعفری، فرمانده انتظامی شهرستان جویبار گفت: «پس از بررسی کارشناسان، علت حادثه انحراف به چپ و عدم استفاده از کلاه ایمنی و نقص در سیستم روشنایی (فاقد چراغ) راکبان موتورسیکلت‌ها اعلام شده است.»

درخواست دیه از بیت‌المال برای قتل مرد چوپان

خانواده مرد چوپانی که سال گذشته با شلیک گلوله مأموران مرزبانی کشور آذربایجان به قتل رسیده‌بود در دادگاه درخواست دیه از بیت‌المال کردند.

به گزارش جوان، سال گذشته مأموران پلیس استان اردبیل از کشته شدن مرد سالخورده‌ای به نام یحیی در نقطه مرزی بیله سوار استان اردبیل باخبر و راهی محل شدند. پسر آن مرد که در محل حضور داشت به مأموران گفت: «سال‌هاست پدرم در این منطقه چوپانی می‌کند و گوسفندانش را برای چرا به این منطقه می‌آورد. امروز همراه پدرم به این منطقه آمده‌بودم تا به او کمک کنم. بعد از استقرار در محل، من و پدرم در حال استراحت بودیم که ناگهان متوجه شدیم یکی از گوسفندان از مرز ایران عبور کرده و وارد مرز کشور آذربایجان شده‌است. پدرم به دنبال گوسفند فراری رفت و ناخواسته وارد مرز آذربایجان شد، اما با شلیک گلوله یکی از مأموران مرزی آن کشور کشته شد.»

همزمان با ادامه تحقیقات درباره این حادثه تلاش برای گرفتن جسد ادامه داشت تا اینکه پلیس کشور آذربایجان جسد مرد سالخورده را به ایران تحویل داد. بعد از تحویل جسد و انتقال جسد به پزشکی قانونی، پلیس ایران این بار درخواست کرد تا مأموری که به مرد سالخورده شلیک کرده‌است تحویل داده‌شود، اما پلیس آذربایجان در گزارشی اعلام کرد، آن مأمور وقتی مرد چوپان را نزدیک مرز دیده است چند بار به او تذکر داده است که وارد مرز نشود، اما آن مرد به هشدارهای مأموران توجهی نکرده و از قانون تخطی کرده که هدف شلیک گلوله قرار می‌گیرد.

با اعلام این گزارش، خانواده یحیی به اداره پلیس رفتند و با طرح شکایتی بار دیگر درخواست کردند تا قاتل برای محاکمه تحویل پلیس ایران شود، اما این تلاش‌ها هم نتیجه‌ای نداشت و پلیس کشور آذربایجان با تحویل مأمور مرزی به ایران موافقت نکرد و بار دیگر مدعی شد که آن مأمور به خاطر عدم توجه مرد سالخورده به هشدارهای پلیس ناچار به شلیک شده است.

وقتی تلاش پلیس ایران و اولیای‌دم برای مجازات عامل شلیک مرگبار به مرد چوپان به نتیجه نرسید اولیای‌دم با نوشتن نامه‌ای درخواست دیه از بیت‌المال را مطرح کردند.

با این درخواست پرونده کامل و بعد از صدور کیفرخواست به دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد تا اینکه بعد از تعیین شعبه در وقت رسیدگی روی میز هیئت قضایی شعبه دهم دادگاه قرار گرفت.

بعد از اعلام رسمیت جلسه، اولیای‌دم یک به یک در جایگاه ایستادند و از دادگاه خواستند تا دیه پدرشان از بیت المال پرداخت شود. در ادامه یکی از پسران مقتول گفت: «پدرمان سال‌ها در آن منطقه چوپان بود. او مرد سالخورده‌ای بود و حدود مرز را خیلی خوب نمی‌شناخت. از طرفی گوش‌های او سنگین بود و احتمالاً صدای مأمور مرزی را نشنیده‌بود. ما خیلی تلاش کردیم تا آن مأمور محاکمه شود، اما تلاش‌مان بی‌فایده بود. پدرمان بی‌گناه کشته شد به همین خاطر برای اینکه خونش پایمال نشود درخواست دیه از بیت‌المال داریم.»

در پایان هیئت قضایی وارد شور شد.

آگهی اعلام مفقودی

برگ سبز، کارت شناسایی و سند نقل و انتقالات خودرو پژو ۴۰۵ تیپ جی ال ایکس کاربری کرایه مدل ۱۳۷۹ رنگ زرد شماره پلاک (ایران ۶۸ ۷۱۸ ع ۳۴) به شماره موتور ۲۲۵۲۷۹۱۲۰۷۸ شماره شاسی ۰۰۷۹۳۱۳۹۶۷ متعلق به قادر ملکی گرگری مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. البرز

آگهی اعلام مفقودی

برگ سبز، موتور سیکلت سیستم زیگما تیپ CS۱۲۵ مدل ۱۳۹۱ رنگ زرد شماره پلاک (ایران ۳۲۳ _ ۳۵۲۳۶) به شماره موتور ۱۵۲FMIN1D*۱۲۰۰۱۲۴* و شماره تنه NID***۱۲۵X۹۱۰۰۰۱۴ متعلق به عبدالرضا بالیخانی مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.البرز

آگهی اعلام مفقودی

برگ کمپانی و کارت شناسایی خودرو پراید تیپ جی تی ایکس مدل ۱۳۸۳ رنگ سفید شیری روغنی شماره پلاک (ایران ۶۸ ۳۱۷ ق ۲۲) به شماره موتور ۰۰۶۷۱۱۰۲ و شماره شاسی S۱۴۱۲۲۸۳۲۰۵۱۲۳ متعلق به مرتضی رضوانی مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.البرز

آگهی اعلام مفقودی

برگ کمپانی خودرو پژو تیپ CNG PARS TU۷ مدل ۱۳۹۱ رنگ سفید روغنی شماره پلاک (ایران ۳۸ ۱۹۹ ب ۶۲) به شماره موتور ۱۲۴K۰۰۹۴۰۰۳ شماره شاسی NAAN۲۱CA۰DK۱۶۰۳۰۳ متعلق به اکبر کاویانی مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.البرز